

روزآمدسازی سند تحول قضائی

با تأکید بر حمایت قضائی از بهبود محیط کسب و کار



لله الحمد لله الرحمن الرحيم



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۱۲/۲۶

شماره مسلسل: ۱۹۷۶۵
کد موضوعی: ۲۴۰

عنوان گزارش:

روزآمدسازی سند تحول قضائی
با تأکید بر حمایت قضائی از بهبود محیط کسب و کار

نوع گزارش: طرح / لایحه راهبردی نظارتی

نام دفتر:

مطالعات حقوقی (گروه حقوق اقتصادی)

تهیه و تدوین کنندگان:

محمد برزگر خسروی، امیرحسین بامتی طوسی، محمد ابراهیم عرب

اظهار نظر کننده:

رضا نیازی شهرکی

ناظر علمی:

احمد حکیم جوادی

ویراستار ادبی:

—

طراح گرافیک:

نرجس امیراحمدی

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق اقتصادی
۲. سیاست‌های کلی برنامه هفتم
۳. قوه قضائیه

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۲/۱



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	۱. مقدمه.....
۹	۲ محیط کسب و کار؛ ماهیت و شاخص ها.....
۹	۲-۱. ماهیت محیط کسب و کار.....
۱۰	۲-۲. شاخص های بهبود محیط کسب و کار.....
۱۲	۳. نقش قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار و تحلیل وضعیت سند تحول قضائی از این حیث.....
۱۳	۳-۱. شاخص های مرتبط با قوه قضائیه: نقش قوه در بهبود محیط کسب و کار.....
۱۳	۳-۱-۱. اعتماد به دستگاه قضائی.....
۱۴	۳-۱-۲. سهولت دادخواهی.....
۱۴	۳-۱-۳. سرعت رسیدگی به پرونده.....
۱۴	۳-۱-۴. رسیدگی عادلانه و بی طرفانه.....
۱۵	۳-۱-۵. هزینه مقرون به صرفه دادرسی.....
۱۵	۳-۱-۶. نحوه استفاده از وکیل.....
۱۵	۳-۱-۷. استقلال قوه قضائیه و قاضی.....
۱۶	۳-۱-۸. اجرا شدن احکام قضائی.....
۱۶	۳-۲. تحلیل سند تحول قضائی از حیث بهبود محیط کسب و کار.....
۱۷	۳-۲-۱. اعتماد به دستگاه قضائی.....
۱۸	۳-۲-۲. سهولت دادخواهی.....
۲۰	۳-۲-۳. سرعت رسیدگی به پرونده.....
۲۰	۳-۲-۴. رسیدگی عادلانه و بی طرفانه.....
۲۱	۳-۲-۵. هزینه مقرون به صرفه دادرسی.....
۲۲	۳-۲-۶. استقلال قوه قضائیه و قاضی.....
۲۲	۳-۲-۷. اجرا شدن احکام قضائی.....
۲۴	۴. نتیجه گیری: نکاتی در خصوص وضع مطلوب سند تحول قضائی.....
۲۶	منابع و مأخذ.....

فهرست جدول

۶	جدول ۱. شاخص های بهبود محیط کسب و کار مرتبط با قوه قضائیه.....
---	--



روزآمدسازی سند تحول قضائی با تأکید بر حمایت قضائی از بهبود محیط کسب و کار

چکیده



یکی از دغدغه‌های محوری پس از ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم از سوی مقام معظم رهبری و تصریح بر عبارت «روزآمدسازی سند تحول قضائی و اجرای آن با تأکید بر: حمایت حقوقی و قضائی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب و کار» در جزء (۴) بند (۲۶) آن سیاست کلی، تبیین چگونگی حمایت مزبور است. ارتباط سنجی سند تحول قضائی موجود با سیاست حمایت قضائی از بهبود محیط کسب و کار و ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود سند در جهت سیاست مزبور، هدف پژوهش پیش‌رو است. بدین منظور، ضمن شناسایی و مرور سازوکارهای قضائی که در سند تحول قضائی جهت بهبود محیط کسب و کار قید شده است، به ارائه سازوکارهایی پرداخته می‌شود که سند تحول قضائی از اهتمام ویژه به آن‌ها غافل بوده است. توجه به چارچوب‌هایی که به ما در مسیر گذر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب کمک می‌کنند، رویکرد این گزارش را تشکیل می‌دهد.

« خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

پس از تصریح سیاست کلی برنامه هفتم مبنی بر روزآمدسازی سند تحول قضائی و اجرای آن با تأکید بر حمایت قضائی از بهبود محیط کسب و کار، تحلیل انتقادی سازوکارهای حقوقی سند تحول برای بهبود محیط کسب و کار، مورد سوال است. پس از بررسی وضع موجود سند تحول، نکاتی در خصوص وضع مطلوب بیان می‌شود.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

۱. شاخص‌های بهبود محیط کسب و کار، در سند تحول قضائی، به صورت کلی لحاظ شده است که این امر، مؤید جامعیت سند تحول از این منظر است.
۲. برخی از راهبردها و راهکارهای سند تحول، صرفاً به ارائه اهداف کلی همراه با تعیین نهادهای متولی اکتفا می‌کند. این در حالی است که سندی مترقی محسوب می‌شود که علاوه بر این موارد، در خصوص ضروریات، مراحل، شیوه‌ها و منابع مورد نیاز جهت تحقق اهداف، حاوی احکامی باشد.
۳. علاوه بر این، گردآوری حجم انبوهی از راهبردها و راهکارها بدون اولویت‌بندی آنها، به مثابه یک زمین بازی فاقد قاعده است که نتیجه آن هرج و مرج و سردرگمی مسئولان امر خواهد بود. بنابراین سند تحول قضائی ضمن آنکه باید متعرض اولویت‌ها باشد، باید در بردارنده سناریوهایی مبتنی بر عوامل دخیل در تحقق سند تحول نیز باشد.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

جهت حمایت قضائی از بهبود محیط کسب و کار، باید در فرایندی مستمر، تعارض منافع شکل‌گرفته در نظام اقتصادی شناسایی شود و برای همسوسازی منافع ذی‌نفعان، تدابیر حقوقی-قضائی و سازمانی لازم‌اندیشیده شود. به جهت ماهیتی که کسب و کار دارد، همواره انواع جدیدی از تعارضات در آن شکل می‌گیرد که پیش از این مطرح نبوده است. بنابراین، نگارش سندی پویا که پیوسته در حال به‌روزرسانی است، به بهبود محیط کسب و کار کمک می‌کند؛ نمی‌توان از سندی که از پویایی لازم برخوردار نیست، انتظار چنین بهبودی را داشت.



۱. مقدمه

کسب و کار به مجموعه فرآیندهای تأمین، تولید و توزیع کالا و خدمات گفته می‌شود. محیط کسب و کار، مجموعه ساز و کارها، ساختارها و روابط و مناسباتی است که بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد. بهبود این فضا، بیشتر معلول فضای اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه و نیز، عملکرد و نقش دولت در اقتصاد است. با این حال، نمی‌توان جایگاه و نقش دستگاه عدلیه را در بهبود فضای کسب و کار نادیده گرفت. به عبارتی دیگر، دسته‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی-قضائی در امر بهبود محیط کسب و کار مؤثر هستند. کلیه کشورها برای بهبود این محیط تلاش می‌کنند و اقدامات اصلاحی زیادی برای تحقق آن انجام می‌دهند.

با در نظر داشتن این نکته که نظام قضائی یک کشور در بهبود محیط کسب و کار مؤثر خواهد بود، باید اذعان کرد که عوامل متعددی در این زمینه دخیل هستند که از آن میان، می‌توان به مواردی از قبیل کاهش اطاله دادرسی، حذف فرایندهای ناکارآمد و گسترش اِثقان آراء، تعیین شعب خاص تخصصی در حوزه مجوزها و محیط کسب و کار و ثبت مالکیت اشاره کرد.

با توجه به مراتب فوق، تلاش می‌شود ابتدا، ماهیت و نماگرهای محیط کسب و کار مورد واکاوی قرار بگیرد و سپس به احصاء نقش قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار پرداخته شود. در نهایت، وضع مطلوب سند مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد.

۲. محیط کسب و کار؛ ماهیت و نماگرها



در ابتدای امر، شایسته است تا محیط کسب و کار و ابعاد آن به درستی تبیین شود تا از این طریق بتوان مبتنی بر واقعیت‌های محیطی، تصمیمات مقتضی را اخذ کرد. با عنایت بر اینکه تلقی ما از محیط کسب و کار، در ارائه تصمیمات سیاستی مناسب مؤثر است، تلاش می‌شود در این بخش، ابتدا ماهیت محیط کسب و کار و سپس نماگرهای بهبود محیط کسب و کار مورد واکاوی قرار گیرند.

۲-۱. ماهیت محیط کسب و کار

برای داشتن یک اقتصاد قوی، توجه به محیط کسب و کار به مثابه یک عنصر حیاتی در اقتصاد ضروری است. بهبود محیط کسب و کار، بهبود شاخص‌های اقتصادی را به همراه دارد. رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم، و به‌طور کلی گسترش رفاه جامعه در گرو بهبود این محیط است.

محیط کسب و کار واژه‌ای ترکیبی است که از دو مولفه محیط و کسب و کار تشکیل شده است. در تعریف محیط کسب و کار آمده است: محیط کسب و کار، محیطی است که فعالان اقتصادی در آن چارچوب فعالیت می‌کنند. [۱] همچنین، در تعریف کسب و کار و محیط آن آمده است: «کسب و کار به مجموعه فرآیندهای تأمین، تولید و توزیع کالا و خدمات گفته می‌شود. محیط کسب و کار، مجموعه ساز و کارها، ساختارها و روابط و مناسباتی است که بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد.» [۲] برخی دیگر نیز در آثار خود فضای کسب و کار را بدین نحو تعریف کرده‌اند: «در یک تعریف کلی، مجموعه عواملی است که بر عملکرد بنگاه تأثیر می‌گذارد و بیشتر معلول فضای اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه و همین‌طور عملکرد و نقش دولت در اقتصاد است.» [۳] این عوامل را به لحاظ موضوعی می‌توان به زیرمجموعه‌هایی تقسیم کرد، مانند: محیط مالی، محیط اقتصاد کلان، محیط سیاسی، محیط فناوری و نوآوری، محیط حقوقی و قضائی، محیط فرهنگی، ساختار تولید، محیط اداری، محیط علمی و آموزشی و غیره. [۴] جهت تبیین عملکرد و نقش دولت در اقتصاد، برخی محیط کسب و کار را به‌طور مستقیم، مرتبط با قوانین و مقررات دانسته‌اند به نحوی که اگر مقررات باعث شود تولید به‌صرفه نباشد یا تداوم لازم را نداشته‌باشد، فرار از مقررات و دور زدن، در دستور کار بنگاه‌ها قرار می‌گیرد. [۵]



صرف نظر از موارد فوق، ماده (۱) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب سال ۱۳۹۰، در تعریف محیط کسب و کار بیان داشته است: «محیط مجموعه عوامل مؤثر در اداره یا عملکرد بنگاه‌های تولیدی که خارج از کنترل مدیران آن‌ها قرار دارد و در خصوص کسب و کار هم هر نوع فعالیت تکرار شونده و مشروع اقتصادی از قبیل تولید، خرید و فروش کالا و خدمات به قصد کسب منافع اقتصادی است». بنابراین به نظر می‌رسد آنچه را که می‌توان به عنوان وجه اشتراک تعاریف فوق در نظر داشت، این است که محیط کسب و کار، آن دسته از سازوکارها و چارچوب‌هایی است که بر کسب و کار مؤثر است با این وصف که فعالان این عرصه، کنترلی بر آن ندارند. با عنایت بر تعاریف ارائه شده، می‌توان گفت که تصمیمات قوای سه‌گانه در زمره این سازوکارها و عوامل است؛ چرا که تصمیمات اتخاذ شده، خارج از قلمرو اختیارات فعالان عرصه کسب و کار قرار دارد. یکی از مواردی در تبیین به کارگیری سازوکارهای نهادی جهت بهبود محیط کسب و کار مورد توجه قرار گرفته است، مفهوم «هزینه مبادله» است. در توضیح هزینه مبادله، به عقلانیت محدود بشر و فقدان دسترسی به تمام اطلاعات لازم برای انعقاد قرارداد اشاره می‌شود و نهایتاً نتیجه‌گیری می‌شود که به طور بالقوه این امکان وجود دارد که نقص‌های موجود در قرارداد، مورد سوءاستفاده افراد فرصت طلب قرار گیرد و قرارداد نقض شود و به این ترتیب، هزینه‌هایی به مبادله‌کنندگان تحمیل شود. [۶] بر اساس این رویکرد، ارتقای سازوکارهای نهادی جهت کاهش هزینه‌های مبادله، به عنوان راهکار نهایی پیشنهاد می‌شود.

۲-۳. نماگرهای بهبود محیط کسب و کار

با مشخص شدن مفهوم محیط کسب و کار و ضرورت ارائه راهکار نهادی جهت بهبود محیط کسب و کار، این مهم مد نظر قرار می‌گیرد که برای بهبود آنچه اقداماتی باید صورت گیرد. این اقدامات که موجب بهبود مجموعه عوامل مؤثر بر فعالیت اقتصادی می‌شود، باید توسط نهادهایی مورد وضع و اجرا قرار بگیرد که در زمره فعالان اقتصادی محسوب نمی‌شوند. در خصوص بهبود محیط کسب و کار نماگرهایی مطرح شده است که به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود تا بتوانیم با در نظر داشتن تمامی این موارد، آن دسته‌ای را که در ارتباط با قوه قضائیه قرار می‌گیرند، شناسایی کرده و مورد بحث قرار دهیم.

نماگرهای متعددی برای بهبود محیط کسب و کار طراحی شده است. این نماگرها، شروع یک کسب و کار را تا زمانی که یک کسب و کار به مرحله انحلال می‌رسد، در بر می‌گیرد.

تهیه و انتشار گزارش‌های سالیانه «انجام کسب و کار» از سال ۲۰۰۵ توسط بانک جهانی آغاز شده و در حال حاضر (۱۹۰) کشور جهان طبق این گزارش مقایسه و ارزیابی می‌شوند. در گزارش انجام کسب و کار، میزان سهولت محیط حقوقی و اداری کسب و کار در طول چرخه عمر بنگاه‌های کوچک و متوسط در قالب (۱۰) نماگر یعنی راه‌اندازی کسب و کار، اخذ مجوز ساخت و ساز، دسترسی به انرژی الکتریکی، ثبت مالکیت، دریافت اعتبار، حمایت از سهام‌داران خرد، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادهای حل و فصل ورشکستگی، در کشورهای مختلف مورد سنجش قرار می‌گیرد.

در تبیین عدم امکان کار بست این معیار برای سنجش محیط کسب و کار در ایران، به عدم جامعیت در پوشش عوامل مؤثر محیط کسب و کار، احتمال خطای زیاد در مرحله گردآوری اطلاعات، خطای گسترده در جمع‌آوری و ارسال اطلاعات ایران، ثقل و سوگیری‌های سیاسی، امکان انجام اصلاحات صوری توسط کشورهای و غفلت از بهبود واقعی محیط کسب و کار و در نهایت خطر مقررات‌زدایی نامحدود اشاره شده است. [۷] بنابر مراتب فوق، لحاظ نشدن عوامل مهم و تأثیرگذار محیط کسب و کار در نماگر سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی، می‌تواند سیاست‌گذار را از اصلاحات اساسی محیط کسب و کار غافل کند.

علاوه بر موارد فوق، سهولت شروع کسب و کار، خدمات برق‌رسانی به کسب و کارها، سهولت ثبت مالکیت، سهولت اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذار، پرداخت مالیات، سهولت تجارت برون‌مرزی، ضمانت اجرای قرارداد، انحلال کسب و کارها، همگی نماگرهایی هستند که تحت عنوان راهبردهای بهبود وضعیت کسب و کار مطرح شده‌اند. [۸] در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در ارائه نماگرهای بهبود محیط کسب و کار، به اجرای قراردادهای، پرداخت مالیاتی، تجارت فرامرزی، حمایت از سرمایه‌گذاران جزء، رفع ورشکستگی، شروع تجارت، رسیدگی به مجوزهای ساخت و ساز، دسترسی به برق، ثبت املاک و داشتن اعتبار بانکی اشاره شده است. [۹] اعتماد به دستگاه قضائی، سهولت دادخواهی، سرعت رسیدگی به پرونده، رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه، هزینه مقرون به صرفه دادرسی، نحوه استفاده از وکیل، استقلال قوه قضائیه و قاضی، اجرا شدن احکام قضائی از مهم‌ترین نماگرهای ارزیابی نظام قضائی در محیط کسب و کار است. [۱۰] مطالعه دیگری، از میان نماگرهای مرتبط با بهبود محیط کسب و کار، تنها نماگر اجرای قراردادهای را به کارایی نظام قضائی وابسته می‌داند و اشاره می‌کند به اینکه سهولت کسب و کار با استفاده از کارایی نظام قضائی (نماگر اجرای قراردادهای)، به کمک سه عامل تعیین می‌شود؛ مراحل اجرای قراردادها



(تعداد)، زمان اجرای قراردادها (بر حسب روز) و هزینه اجرای قراردادها (بر حسب درصدی از بدهی طرف دعوی). [۱۱] با این حال، در گزارشی که با عنوان «مقدمه‌ای بر نقش قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار» از سوی پژوهشگاه قوه قضائیه منتشر شده است، نماگرهای اجرای قراردادها، ثبت مالکیت، حل و فصل ورشکستگی و حمایت از سهام‌داران خرد را به نحو مستقیم متأثر از عملکرد قوه قضائیه می‌داند. [۱۲]

از آنجا که هدف این پژوهش، تطبیق سند تحول قضائی با نماگر بهبود محیط کسب و کار است، به جهت تناسب شاخص‌های درج شده در پژوهش «شاخص ارزیابی نظام قضائی در محیط کسب و کار ایران» با موضوع، این شاخص‌ها را ملاک عمل قرار می‌دهیم. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

■ اعتماد به دستگاه قضائی

■ سهولت دادخواهی

■ سرعت رسیدگی به پرونده

■ رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه

■ هزینه مقرون به صرفه دادرسی

■ نحوه استفاده از وکیل

■ استقلال قوه قضائیه و قاضی

■ اجرا شدن احکام قضائی.

۳. نقش قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار و تحلیل وضعیت سند تحول قضائی از این حیث



به گفته برخی از اندیشمندان، توسعه حقوقی و قضائی به‌عنوان بخشی حیاتی از فرایند توسعه قلمداد می‌شود. [۱۳] امروزه مؤثر بودن توسعه حقوقی و قضائی در توسعه اقتصادی و سیاسی بر کسی پوشیده نیست. عملکرد نهادهای قضائی به‌طور خاص در رشد اقتصادی و فعالیت کارآمد بنگاه‌ها، نقش حائز اهمیتی دارد. بهبود عملکرد نظام قضائی، به‌ویژه کارآمدی دادگاه‌ها، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصلاحات نهادی برای ارتقای عملکرد بازارها و حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی فعالان اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. [۱۴] در حوزه کسب و کار، نهادهای قضائی، تضمین و حمایت از حقوق مالکیت و اجرای قراردادها را بر عهده دارند. چنانچه قوه قضائیه

عملکردی مبتنی بر تضمین و حمایت از موارد پیش گفته داشته باشد، آنگاه هزینه مبادله و ریسک و ناطمینانی محیط کسب و کار کاهش می‌یابد. [۱۵] نتیجه آنکه عملکرد قوه قضائیه در ارتباط مستقیم با بهبود محیط کسب و کار خواهد بود. در ادامه، ضمن احصای نماگرهای مرتبط با قوه قضائیه در خصوص بهبود محیط کسب و کار، به تبیین هر یک پرداخته می‌شود.

۱-۳. شاخص‌های مرتبط با قوه قضائیه: نقش قوه در بهبود محیط کسب و کار

در این بخش تلاش می‌شود تا هر یک از شاخص‌ها یا نماگرهای درج شده در سطور فوق، تبیین شود:

۱-۱-۳. اعتماد به دستگاه قضائی

منظور از اعتماد به دستگاه قضائی، اعتماد شهروندان به دادگاه‌ها برای احقاق حقوق‌شان در صورت طرح شکایت است. در واقع هدف این نماگر، ارزیابی اعتماد صاحبان‌بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی در جهت به نتیجه رسیدن شکایت و حل و فصل اختلاف در دادگستری است. به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی^۱، وظایف قوه قضائیه به عنوان یک قوه مستقل احصا شده است. مذاقه در وظایف محول شده به قوه قضائیه مؤید آن است که افزایش اعتماد به دستگاه قضائی حائز سه نکته مهم است: ۱. این شاخص به جهت ماهیت فرهنگی خود، با سایر شاخص‌های درج شده در این پژوهش ارتباط معنایی دارد؛ بدین معنا که بهبود سایر شاخص‌ها، موجب افزایش اعتماد به دستگاه قضائی می‌شود؛ در عین حال، اقدامات آگاهی‌بخشی، شفاف‌سازی و اعتمادسازی قوه نیز، موجب تقویت اعتماد مردم خواهد شد. ۲. اعتماد در فرایندی بلندمدت امکان تحقق دارد. بدین معنا که نمی‌توان انتظار بهبود اعتماد به قوه قضائیه را در اقداماتی با جنس کوتاه‌مدت داشت.

۱. «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»



۲-۱-۳. سهولت دادخواهی

تلاش جهت افزایش سرعت، ارزانی، کارآمدی و ظرفیت محاکم قضائی، به‌عنوان مصادیقی از سهولت در دادخواهی است. چنانچه ظرفیت قضائی، از تقاضا برای خدمات قضائی، پایین‌تر باشد، یا سازوکار دادخواهی به‌ویژه در خصوص دعاوی مرتبط با کسب‌وکار از پیچیدگی خاصی برخوردار باشد و یا هزینه دادرسی به‌گونه‌ای تنظیم شود که اشخاص حقیقی و حقوقی قادر به پرداخت آن نباشند، آنگاه شاخص سهولت در دادخواهی مخدوش می‌شود. بدین جهت است که در خصوص دعاوی مرتبط با کسب‌وکار، توجه به حق تظلم خواهی و مقرون به صرفه کردن هزینه‌های دادرسی پیشنهاد می‌شود. قابلیت دسترسی به محاکم قضائی، ظرفیت قضائی بالا و سهولت ارائه دادخواست از جمله زیرشاخص‌های مهم این حوزه هستند.

۳-۱-۳. سرعت رسیدگی به پرونده

یکی دیگر از شاخص‌های مهمی که در زمره شاخص‌های مرتبط با فرایند دادرسی است، سرعت رسیدگی به پرونده‌ها با حفظ کیفیت آن است. کندی در رسیدگی به پرونده‌ها، ناشی از هر چه که باشد، کارایی نظام قضائی را زیر سؤال خواهد برد. با توجه به جنس پرونده‌های مرتبط با کسب‌وکار و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی کشور، نظام قضائی باید قادر به مدیریت مطلوب پرونده‌های قضائی جهت اتمام دادرسی در طی مدت زمان معقول باشد. چنانچه رسیدگی به اختلافات مالی و غیرمالی کسب و پیشه‌ها، بیش از زمان معقول و قابل قبول به طول بینجامد، نه تنها ادامه فعالیت کسب‌وکارهای موجود را دچار اختلال می‌کند، بلکه زمینه‌ساز کاهش تمایل اشخاص به ایجاد کسب‌وکار جدید نیز می‌شود. با عنایت بر نکات فوق‌الذکر، کاهش تشریفات غیر ضرور، استفاده از فناوری‌های نوین جهت ارتقای سرعت رسیدگی به دعاوی مرتبط با کسب‌وکار می‌توان به‌عنوان سازوکارهایی جهت بهبود این شاخص معرفی کرد.

۴-۱-۲. رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه

بهره‌گیری از ظرفیت متخصصان در صدور آرا و تصمیمات متقن و ایجاد شفافیت در فرایند رسیدگی و صدور آرا قضائی به‌گونه‌ای که زمینه‌ساز پیش‌بینی‌پذیری آرا شود، به بهبود محیط کسب‌وکار کمک شایانی خواهد کرد. به‌اعتقاد نگارندگان، به‌کارگیری قضات که فاقد اشراف به

مناسبات محیط کسب و کار و یا اقتصاد هستند، منجر به صدور آرائی می شود که محیط کسب و کار را دچار تلاطم خواهد کرد.

۵-۱-۳. هزینه مقرون به صرفه دادرسی

یکی از متغیرهای اصلی در اقامه یا عدم اقامه دعوا، میزان هزینه‌های دادرسی است که طرفین دعوا، متحمل خواهند شد. هزینه طرح دعوا، حق الوکاله و هزینه ارجاع موضوع به کارشناس از جمله مواردی است که در زمره هزینه دادرسی قرار می گیرد. استفاده از سیستم‌های فناوری اطلاعات، یکی از راهکارهای کاهش هزینه دادرسی است.

۶-۱-۳. نحوه استفاده از وکیل

قابل دسترس بودن وکیل، هزینه معقول حق الوکاله و میزان مؤثر بودن وکیل در دادرسی، مولفه‌های مربوط به استفاده از وکیل است. از آنجا که این پژوهش به دنبال روزآمدسازی و اجرای سند تحول قضائی با تأکید بر حمایت قضائی از بهبود محیط کسب و کار است، از بررسی این شاخص صرف نظر کرده و آن را در تبیین حمایت حقوقی از بهبود محیط کسب و کار مورد واکاوی قرار می دهد.

۷-۱-۳. استقلال قوه قضائیه و قاضی

استقلال قضائی به معنای استقلال قوه قضائیه و قضات از دیگر قوا و اشخاص و نهادها است. استقلال قاضی یکی از پیش نیازهای دادرسی عادلانه محسوب می شود. پاسخگویی نظام قضائی و ایجاد شفافیت در تمامی مراحل دادرسی، لازمه جلوگیری از نفوذ اشخاص و جریان‌های خاص در مقام قضا است.

استقلال دستگاه قضائی در دو بعد قابل بررسی است: ۱. استقلال قوه قضائیه از سایر قوا و دستگاه‌های اجرایی و ۲. استقلال قضات از رؤسا و مدیران قضائی. هر یک از این موارد دلالت‌هایی دارد که از بیان آن صرف نظر می شود. با این حال، یکی از مصادیق استقلال قوه قضائیه از سایر قوا در بحث بودجه نمود پیدا می کند. فقدان بودجه‌ی کافی برای قوه قضائیه، استقلال این نهاد را تهدید می کند. اصل ۱۶۴ قانون اساسی نیز ناظر بر تضمین استقلال قاضی، نکات حائز اهمیتیت دارد.



۸-۱-۳. اجرا شدن احکام قضائی

فرایند رسیدگی با تمام ویژگی‌هایی که دارد، زمانی مؤثر خواهد بود که نتایجی از این رسیدگی حاصل شود. اجرا شدن احکام قضائی به خصوص در مواردی که فعالان کسب و کار محکوم‌له قرار گرفته‌اند، بسیار بر محیط کسب و کار اثرگذار خواهند بود. اجرای ناقص و دیر هنگام احکام یکی از چالش‌هایی است که اختلال کسب و کارها را به همراه دارد. از آنجایی که اجرای احکام نیز بخشی از فرایند دادرسی است، بنابراین سرعت در اجرای حکم نیز حائز اهمیت است. ناتوانی نظام قضائی در اجرای احکام، به شدت باعث سلب اعتماد از دستگاه قضائی خواهد شد. از دست رفتن اعتبار آرا صادر شده نزد فعالان عرصه کسب و کار به علت عدم اجرای حکم، یکی از چالش‌هایی است که قوه قضائیه در فرایند دادرسی با آن مواجه است. بنابراین ارائه رویکردهای مترقی جهت رفع این موانع بسیار حائز اهمیت است.

۲-۳. تحلیل سند تحول قضائی از حیث بهبود محیط کسب و کار

پس از مشخص شدن شاخص‌های مرتبط با نقش قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار، به بررسی این شاخص‌ها در سند تحول قضائی می‌پردازیم. روشی که سند مورد اشاره مبتنی بر آن تدوین شده است، مسئله محور است، لذا به نظر می‌رسد که بتوان با ارائه راهبردهای تصریح شده در آن، وضعیت قوه قضائیه در خصوص بهبود محیط کسب و کار را نشان داد.

جدول ۱. شاخص‌های بهبود محیط کسب و کار مرتبط با قوه قضائیه

شاخص	ردیف
اعتماد به دستگاه قضائی	۱
سهولت دادخواهی	۲
سرعت رسیدگی به پرونده	۳
رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه	۴
هزینه مقرون به صرفه دادرسی	۵
استقلال قوه قضائیه و قاضی	۶
اجرا شدن احکام قضائی	۷

در ادامه، ضمن احصاء راهبردهایی که در سند تحول قضائی زمینه‌ساز بهبود محیط کسب و کار است، چالش‌هایی که عامل اصلی ارائه این راهبردها شده‌است و راهکارهایی که جهت تحقق راهبردها ارائه شده‌است، پرداخته و در نهایت، در صورت امکان نقدهایی ارائه می‌شود.

۱-۲-۳. اعتماد به دستگاه قضائی

پیش‌تر تبیین شد که اعتماد شهروندان به دادگاه‌ها برای احقاق حقوق‌شان در صورت طرح شکایت، اعتماد به دستگاه قضائی محسوب می‌شود و آگاهی بخشی و شفاف‌سازی در زمره اقداماتی است که اعتماد به قوه را تقویت می‌کند. باتوجه به این موارد، به بررسی سند تحول از دو منظر آگاهی بخشی و شفاف‌سازی می‌پردازیم:

۱) ایجاد شفافیت در فرایند رسیدگی و صدور آرای قضائی: انتشار عمومی و برخط آرای قضائی با حفظ محرمانگی اطلاعات اشخاص دخیل در پرونده از طریق ایجاد «سامانه آرا قضائی» با امکان تحلیل و ارزیابی عمومی و ترغیب اشخاص از جمله خبگان و نهادهای تخصصی به مشارکت در ارزیابی آرا به کمک طراحی نظام انگیزشی مناسب، زمینه مناسبی برای پیش‌بینی پذیرتر شدن رویه قضائی خواهد بود. علاوه بر این، شفافیت یکی از لوازم تحقق رسیدگی عادلانه و بی طرفانه است. بدین جهت گسترده شدن چتر شفافیت در نظام قضائی کشور، استقلال قوه قضائیه و بی طرفی آن را تضمین می‌کند. (سند تحول قضائی، ص ۳۹)

۲) ارتقا شفافیت اطلاعاتی به منظور تقویت زمینه‌های امر به معروف و نهی از منکر: یکی از مواردی که به‌عنوان عامل مصادیق تضییع حقوق عامه در سند تحول بدان اشاره شد، غلبه رسیدگی به مصادیق خرد و فاقد اولویت تضییع حقوق عامه بر رفع زمینه‌های اصلی بروز آن‌ها است. یکی از راهبردهای آن، یعنی ارتقا شفافیت اطلاعاتی به منظور تقویت زمینه‌های امر به معروف و نهی از منکر، با هدف احیای حق عامه استفاده از منابع و امتیازهای عمومی مطابق مصالح عامه از طرق ذیل صورت می‌پذیرد:

- پیگیری انتشار عمومی و برخط ضوابط دسترسی و مشخصات اشخاص منتفع از منابع و امتیازهای بخش‌های عمومی یا دولتی که دسترسی به آن‌ها برای عموم افراد جامعه ممکن نبوده و بر اساس اولویت‌بندی مراجع مسئول اختصاص می‌یابند نظیر ارز دولتی، تسهیلات خاص، واگذاری اراضی و معادن، تغییر کاربری‌های خاص و مجوزها در سامانه‌های قانونی مربوط.

- پیگیری تعیین سقف اعتباری برای اعطای هرگونه مجوز و امتیازی نظیر تخصیص تسهیلات،



واگذاری اراضی و پرداخت یارانه برای انواع اشخاص حقوقی بر اساس اعتبارسنجی آن‌ها مبتنی بر سوابق عملکرد اقتصادی مانند پرداخت مالیات مستقیم، مالیات بر ارزش افزوده، حق بیمه کارکنان و انجام تبادلات گمرکی.

- پیگیری انتشار عمومی و برخط اسناد و گزارش‌های دستگاه‌های اجرایی نظیر بودجه، قراردادها، مناقصه‌ها و مزایده‌ها به صورت جامع و قابل فراوری هوشمند و ارائه خدمات پایه برای جستجو و استخراج داده. [۱۶]

۳) ارتقا شفافیت عملکرد دستگاه‌ها در اجرای قوانین: انتشار عمومی، برخط و یکپارچه تکالیف قانونی، وضعیت اجرای هر یک از قوانین، پیشنهادهای اصلاحی ساختاری و فرایندی و رتبه دستگاه‌های موضوع «قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» از طریق ایجاد «سامانه جامع تکالیف قانونی» برخوردار از دسترسی سلسله مراتبی با اولویت دستگاه‌ها و قوانین مرتبط با نظام‌های پولی و بانکی، مالیاتی، خصوصی سازی، بهبود محیط کسب و کار، خانواده، زنان، سلامت، تأمین اجتماعی، قاچاق کالا و ارز و بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، از مواردی است که در افزایش اعتماد به دستگاه قضائی کمک شایانی می‌کند. [۱۷]

نکته حائز اهمیت آن است که بسیاری از موارد یادشده در سطوح فوق که با هدف شفاف سازی در سند تحول درج گردیده است، در خصوص وظایف و تکالیفی است که بر عهده سایر دستگاه‌های اجرایی قرار دارد و از این رو، اینکه سند تحول قضائی به شفاف سازی سازوکارها و اطلاعاتی که خود بدان دسترسی دارد، اشاره‌ای نداشته است، محل تأمل است.

۴) ایجاد تقارن اطلاعاتی برای طرفین معامله: فراهم سازی دسترسی طرفین معامله با رضایت یکدیگر به وضعیت اعتباری طرف معامله در مختصات معامله مورد نظر؛ از طریق پیگیری از مراجع مسئول برای ایجاد «سامانه اعتبار معاملاتی اشخاص» با فراخوانی اطلاعات لازم از طریق اتصال به سامانه‌های مرتبط از جمله ثبت، مالیات، بانک و مدیریت پرونده، فراهم سازی امکان استعمال برخط محکومیت‌های مالی اشخاص با ایجاد «سامانه سجل محکومیت‌های مالی» موضوع بند پ ماده ۱۱۶ «قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، از جمله راهکارهای حمایت از حقوق مالکیت است. [۱۸]

۲-۳. سهولت دادخواهی

۳) توسعه روش‌های حل اختلافات جایگزین رسیدگی قضائی: ترغیب طرفین اختلاف

به توافق با یکدیگر بدون نیاز به مداخله سایرین با طراحی سازوکارهای اعتباری برای اشخاص به منظور افزایش انتفاع طرفین از حصول توافق در مقایسه با سایر روش‌های حل اختلاف، اصلاح مأموریت شورای حل اختلاف با تمرکز بر صلح و سازش و استفاده از روش‌های جایگزین رسیدگی قضائی در تمامی دعاوی و اختلافات، ارتقا نظام میانجی‌گری با افزایش دامنه موضوعی، به رسمیت شناختن فعالیت نهادهای مردمی و تسهیل دسترسی آن‌ها به اطلاعات طرفین، ارتقا و ساماندهی نظام داوری با تدوین آیین داوری، تعیین موارد عدم اعتبار رأی داوری، محدودسازی مراجع قضائی در امر داوری، رسیدگی به اعتراض نسبت به رأی داوری در هیئت‌های تخصصی و تقویت و توسعه داوری حرفه‌ای و سازمانی مبتنی بر صلاحیت‌سنجی عمومی، علمی، حرفه‌ای و ضوابط انتخاب اصلح به صورت رقابتی با تعیین ضوابط لازم و بدون تعیین سقف ظرفیت عددی، ایجاد بیمه مسئولیت حرفه‌ای و استقرار نظام رتبه‌بندی و تقویت نظارت و برخورد متناسب با تخلفات داوری از جمله ایجاد هیئت‌های انتظامی و ایجاد محدودیت‌ها و محرومیت‌های متناسب با تخلفات و تدوین و پیگیری تصویب آیین دادرسی تخصصی، قوانین محدودکننده تعارض منافع و شفاف‌سازی صلاحیت مراجع شبه قضائی اعم از مراجع اختصاصی اداری، شبه حقوقی، شبه کیفری، انتظامی و صنفی مانند کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و واگذاری رسیدگی به دعاوی پرتکرار فاقد ماهیت قضائی محض از قبیل انحصار وراثت و دستور فروش به این مراجع از جمله راهکارهای تحقق راهبرد ذکر شده است. [۱۹]

گسترش شیوه‌های نوین حل اختلاف از قبیل توسعه روش‌های حل اختلافات جایگزین رسیدگی قضائی و نیز پیشگیری از صدور قرارهای غیرضروری یا نامتناسب می‌تواند به بهبود محیط کسب و کار کمک شایانی کند.

۲) ارائه مجازی خدمات حقوقی به ایرانیان خارج از کشور: تسهیل و تسریع دسترسی ایرانیان خارج از کشور به خدمات حقوقی، قضائی و ثبتی از جمله اعطای و کالت، تصدیق گواهی امضا، رسیدگی قضائی، انجام معاملات رسمی و ثبت ازدواج و طلاق با استفاده از فناوری‌های نوین با همکاری مراجع مسئول در قوه مجریه، یکی از مواردی است که به سهولت دادخواهی کمک خواهد کرد. [۲۰]

علاوه بر این، هوشمندسازی حداکثری فرایندهای رسیدگی از قبیل پذیرش، تشکیل پرونده، پرداخت هزینه دادرسی؛ ارسال و ارجاع پرونده‌های قضائی به مجتمع‌ها و شعب قضائی به صورت تخصصی، سامانه‌ای و هوشمند؛ تهیه «پرونده الکترونیکی قضائی» شامل کار برگ‌های برخط استاندارد برای اقدامات و فرایندهای مربوط به رسیدگی؛ و اسکن اسناد کاغذی موجود در پرونده و فراهم‌سازی



امکان دسترسی برخط قضات به پایگاه‌های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی به منظور انجام بدون واسطه استعلامات و اعمال دستورات قضائی، سبب سهولت در دادخواهی و دادرسی می‌شود. همچنین تسهیل پرداخت هزینه دادرسی به عنوان یک راهبرد راهگشا در سهولت در دادخواهی است.

۳-۲-۳. سرعت رسیدگی به پرونده

از آنجا که عنصر سرعت در پرونده‌های مرتبط با کسب و کار بسیار حائز اهمیت است، به کارگیری شیوه‌هایی خاص برای حل و فصل دعاوی در کنار نظارت قوه قضائیه، می‌تواند به تحولاتی مطلوب بینجامد. در سند تحول قضائی راهبردهای ذیل، جهت تسریع در رسیدگی قضائی دیده شده است:

(۱) **استفاده از فناوری‌های هوشمند در فرایند صدور آرا و تصمیمات قضائی:** یکی از مواردی که در شاخص سرعت رسیدگی به پرونده، بر لزوم آن تأکید شده بود، استفاده از فناوری‌های نوین جهت جلوگیری از اطاله دادرسی است. اطاله دادرسی با افزایش هزینه مبادله، موجب بحرانی شدن محیط کسب و کار می‌شود. ایجاد «دستیار هوشمند قضائی» به منظور دسترسی یکپارچه قضات در فرایند رسیدگی به اطلاعات مورد نیاز نظیر قوانین، آرا و وحدت رویه، اصراری، نظریه‌های مشورتی، پرونده‌های مشابه، پرونده شخصیت متهم و ارائه پیش نویس دادنامه با قابلیت اتصال به «سامانه مدیریت پرونده»، راهکاری است که پیش‌روی قوه قضائیه در استفاده از فناوری‌های هوشمند قرار دارد. [۲۱]

(۲) **کاستن از مراحل غیر ضروری دادرسی:** حذف مراحل غیر ضرور از دادرسی، سبب کاهش اطاله دادرسی می‌شود. حذف مراحل غیر ضروری از فرایند رسیدگی به ویژه اعتراض به آرا در موضوعاتی که رسیدگی به اعتراض در آن‌ها فاقد اثربخشی است، یکی از راهکارهایی است در تحقق راهبرد فوق مؤثر واقع می‌شود. [۲۲]

۳-۲-۴. رسیدگی عادلانه و بی طرفانه

(۱) **شناسایی هوشمند آرا متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص:** این راهبرد با هدف حل چالش غیر متقن بودن برخی از آرا و تصمیمات قضائی ارائه شده است. «جمع‌سپاری ثبت مصادیق آرا متعارض و داده‌کاوی اطلاعات «سامانه مدیریت پرونده» به منظور افزایش صدور آرا وحدت رویه با ایجاد «سامانه آرا متعارض» راهکار عملیاتی این حوزه است. در حوزه بهبود محیط کسب و کار گفته شده است که پیش‌بینی پذیرتر شدن محیط اقتصاد به

بهبود سرمایه‌گذاری و افزایش کسب و کارها کمک می‌کند. در همین راستا می‌توان گفت که وجود رویه‌های واحد در محاکم قضائی، محیط اقتصادی را پیش‌بینی پذیرتر کرده، و این خود به تنهایی هزینه‌های مبادله را به سطوح پایین‌تری خواهد آورد. نهایت امر آنکه در اثر کاهش نااطمینانی‌های ناشی از صدور آرا متعارض، ریسک سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای کوچک و بزرگ کاهش می‌یابد. [۲۳]

۲) تخصصی شدن فرایندهای رسیدگی: یکی دیگر از راهبردهایی که جهت حل چالش غیر متقن بودن برخی از آرا و تصمیمات قضائی ارائه شده است، تخصصی شدن فرایند رسیدگی است که این به نوبه خود تأثیر مستقیمی بر بهبود محیط کسب و کار دارد؛ چراکه صدور آرا متقن، مبتنی بر واقعیت و عادلانه میسر نخواهد شد مگر آنکه قضات با درجه‌ای از تخصص در حیطه کسب و کار، مبادرت به صدور رأی نمایند. تدوین و پیگیری تصویب آیین‌های دادرسی تخصصی با اولویت آیین دادرسی تجاری و آیین دادرسی خانواده و ایجاد شعب تخصصی رسیدگی با ساختارهای متناسب با اولویت دعاوی خانواده و دعاوی تجاری، راهکاری است که جهت تحقق این راهبرد پیشنهاد شده است. [۲۴]

۳) بهره‌گیری از ظرفیت متخصصان در صدور آرا و تصمیمات متقن: راهکار «شناسایی متخصصان مبتنی بر صلاحیت‌سنجی عمومی، علمی، حرفه‌ای و ضوابط انتخاب اصلح، ایجاد امکان اخذ مشاوره تخصصی از متخصصان با تشکیل هیئت‌های تخصصی مشاوره در پرونده‌های مهم و خاص با اولویت دعاوی مرتبط با موضوعات اقتصادی و خانواده با اصلاح قوانین و مقررات مربوط»، جهت حل چالش غیر متقن بودن برخی از آرا و تصمیمات قضائی، در سند تحول قضائی درج شده است. [۲۵]

۵-۲-۳. هزینه مقرون به صرفه دادرسی

در سند تحول قضائی ذیل چالش «اطاله در فرایند رسیدگی» به حجم بالای ادعاهای اعسار از هزینه دادرسی به عنوان یکی از عوامل شکل‌گیری چالش اشاره شد. در ادامه یکی از راهکارهایی که بدان اشاره شد، تسهیل پرداخت هزینه دادرسی است. اصلاح نظام تعیین و پرداخت هزینه‌های دادرسی در پرونده‌های حقوقی از طریق اصلاح نظام تقویم، محاسبه نرخ هزینه دادرسی به صورت پلکانی و ایجاد مشوق‌های مربوط به توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین رسیدگی قضائی و صلح و سازش و توسعه روش‌های جایگزین پرداخت نقدی هزینه دادرسی نظیر تقسیط و ارائه ضمانت با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، راهکار میان‌مدت تحقق راهبرد ذکر شده در سطور فوق است.



نکته حائز اهمیت آن است که راهکار فوق، تنها حکم از سند تحول قضائی در خصوص هزینه دادرسی است. با توجه به اینکه حکم ذکر شده، اطلاق داشته و شامل تمامی دعاوی قابل طرح در دادگستری است، به نظر می‌رسد که در خصوص مقرون به صرفه کردن هزینه‌های دادرسی در حوزه کسب و کارها، درج حکمی دیگر نیاز نباشد.

۶-۲-۳. استقلال قوه قضائیه و قاضی

در بخش پیشین، داشتن بودجه کافی به عنوان یکی از ابزارهای تحقق استقلال قوه معرفی شد. در این بخش تنها بر این نکته اذعان می‌شود که در سند تحول قضائی در مبحث چهارم تحت عنوان منابع مالی، به طراحی ساز و کارهای تأمین استقلال مالی قوه قضائیه توأم با حفظ یکپارچگی برنامه و بودجه کشور با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط و بازنگری در نظام بودجه‌ریزی و مالی قوه قضائیه با استقرار نظام بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد، اجرای حسابداری تعهدی و اولویت‌دهی به تخصیص منابع مالی برای اجرای سند تحول اشاره شده است. [۲۶] همچنین در مبحث سوم با عنوان منابع انسانی، به مسئله صیانت از استقلال، شأن، عزت، منزلت و کرامت قضات با ابلاغ اجرای دستورالعمل مصوب رئیس قوه قضائیه به منظور تضمین عزت و استقلال قاضی و در ابعاد مدیریتی، اداری، رفاهی و فرهنگی با رعایت ملاحظات از جمله منع هرگونه اقدام مغایر استقلال قضات پرداخته شده است. [۲۷]

با افزایش استقلال قوه قضائیه و قاضی می‌توان هم اعتماد به دستگاه قضا را بهبود بخشید و هم از طرفی دیگر شاهد رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه باشیم.

۷-۲-۳. اجرا شدن احکام قضائی

۳) کاهش مداخلات انسانی در شناسایی داری و اموال محکومان: این مورد، یکی از راهبردهایی که جهت حل چالش اجرای ناقص و دیر هنگام برخی از احکام، در سند تحول ارائه شده است. فراهم‌سازی دسترسی برخط به پایگاه‌های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی به منظور شناسایی داری و اموال منقول و غیرمنقول محکومان، راهکار مؤثر در این امر است. [۲۸]

البته ذکر این نکته الزامی است که در ذیل چالش «اجرای ناقص و دیر هنگام برخی از احکام»، راهبردهای گوناگونی درج گردیده است، لکن به جهت اینکه در زمره حمایت‌های حقوقی قرار می‌گیرد، در گزارشی دیگر بدان پرداخته شده است.

با بررسی سند تحول قضائی مطابق شاخص‌های بهبود محیط کسب و کار مشخص شد که در مواردی همچون امور مرتبط با فرایند دادرسی سند به اهمیت برخی از این شاخص‌ها واقف بوده است اما با این حال، مواردی نیز بوده است که در بازبینی سند باید بدان اشاره گردد. در جدول ذیل، مفادی از سند تحول که با موضوع محیط کسب و کار مرتبط است، درج شده است:

ردیف	شاخص‌های مرتبط با قوه قضائیه	مفاد سند تحول مرتبط با موضوع محیط کسب و کار
۱	اعتماد به دستگاه قضائی	ایجاد شفافیت در فرایند رسیدگی و صدور آرا قضائی
		ارتقا شفافیت اطلاعاتی به منظور تقویت زمینه‌های امر به معروف و نهی از منکر
		ارتقا شفافیت عملکرد دستگاه‌ها در اجرای قوانین
۲	سهولت در دادخواهی	ایجاد تقارن اطلاعاتی برای طرفین معامله
		توسعه روش‌های حل اختلافات جایگزین رسیدگی قضائی
۳	سرعت رسیدگی به پرونده	ارائه مجازی خدمات حقوقی به ایرانیان خارج از کشور
		استفاده از فناوری‌های هوشمند در فرایند صدور آرا و تصمیمات قضائی
۴	رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه	کاستن از مراحل غیر ضروری دادرسی
		شناسایی هوشمند آرا متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص
		تخصیصی شدن فرایند رسیدگی
۵	هزینه مقرون به صرفه دادرسی	بهره‌گیری از ظرفیت متخصصان در صدور آرا و تصمیمات متقن
		تسهیل پرداخت هزینه دادرسی
۶	استقلال قوه قضائیه و قاضی	بودجه و منابع مالی
		استقلال قضات
۷	اجرا شدن احکام قضائی	کاهش مداخلات انسانی در شناسایی داریبی و اموال محکومان



۴. نتیجه‌گیری: نکاتی در خصوص وضع مطلوب سند تحول قضائی



باعنایت بر اینکه پیش شرط روزآمدسازی سند تحول قضائی مبتنی بر بهبود محیط کسب و کار، شناخت دقیق وضع موجود است، در بخش‌های پیشین تلاش شد تا تصویری از وضعیت سند تحول قضائی در خصوص نماگرهای مرتبط با بهبود محیط کسب و کار ارائه شود. به نظر نگارندگان، عمده آنچه که به‌عنوان نماگرهای بهبود محیط کسب و کار است، در سند فوق‌الذکر به‌صورت کلی مورد نظر بوده است. مواردی از قبیل تخصصی شدن فرایند رسیدگی، استفاده از قضات متخصص، کاهش مدت زمان رسیدگی، استفاده از فناوری‌های هوشمند چه در فرایند رسیدگی و چه در فرایند صدور آرا و توسعه روش‌های حل اختلافات جایگزین رسیدگی قضائی، نشان‌دهنده تسلط نویسندگان سند تحول بر الزامات حقوقی در شرایط کنونی است.

یک سؤال محوری این است که چرا با وجود انبوهی از راهبردها و راهکارهای مترقی در سند تحول، ما همچنان شاهد اختلال‌های جدی در کسب و کارها هستیم؟ یا به عبارتی دیگر، چرا و چگونه می‌توان عدم تناسب میان الزامات قضائی مندرج در سند تحول را با واقعیات موجود، صورت‌بندی مفهومی کرد تا در نهایت با ارائه راهکارهایی گره‌گشا، شاهد بهبود محیط کسب و کار بود؟

در پاسخ باید اذعان داشت که راهبردهای مورد اشاره و راهکارهایی که در ادامه راهبردها بدان اشاره گردید، نه‌تنها نیازمند اراده‌ای جدی از سوی قوه قضائیه است، بلکه بدون حمایت و همراهی قوای دیگر، عملاً تحقق آن ناممکن است. بنابراین درست است که سند تحول قضائی ناظر بر کارکردهای دستگاه قضا نوشته شده است، لکن بدون همراهی سایر قوا، فاقد وجاهت خواهد بود. صرف نظر از این مورد، بسیاری از راهبردها و راهکارهای سند تحول، صرفاً به ارائه اهداف کلی همراه با تعیین نهادهای متولی اکتفا می‌کند. این در حالی است که سندی مترقی محسوب می‌شود که علاوه بر این موارد، در خصوص ضروریات، مراحل، شیوه‌ها و منابع مورد نیاز جهت تحقق اهداف، حاوی احکامی باشد. علاوه بر این، گردآوری حجم انبوهی از راهبردها و راهکارها بدون اولویت‌بندی آنها، به مثابه یک زمین بازی فاقد قاعده است که نتیجه آن هرج و مرج

و سردرگمی مسئولان امر خواهد بود. بنابراین سند تحول قضائی ضمن آنکه باید متعرض اولویت‌ها باشد، باید در بردارنده سناریوهایی مبتنی بر عوامل دخیل در تحقق سند تحول نیز باشد. بدین نحو که اگر عاملی مانند منابع مورد نیاز، محقق شود، چه راهبردی باید پیاده‌سازی شود و اگر آن عامل محقق نشد، چه راهبردی دیگری باید مدنظر قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین خلأهای سند تحول، فقدان جدول منابع و مصارف است؛ چراکه تعیین راهبردها و راهکارها بدون بررسی دقیق منابع مالی مورد نیاز جهت تحقق آن و اولویت‌بندی راهبردها و راهکارهای ذیل هر راهبرد، امکان تحقق هدف را تا حد زیادی ناممکن می‌سازد.

در تبیین به کارگیری سازوکارهای نهادی جهت تحقق بهبود محیط کسب و کار گفته می‌شود که یکی از دلایل بالا بودن هزینه مبادله در محیط فعالیت اقتصادی، وجود تعارض منافع میان فعالان اقتصادی و ناتوانی محیط نهادی در مدیریت این تعارضات است و برای بهبود محیط کسب و کار، باید در فرایندی مستمر این تعارضات شناسایی شود و برای همسوسازی منافع ذی‌نفعان، تدابیر حقوقی-قضائی و سازمانی لازم‌اندیشیده شود. با عنایت بر این مسئله، یکی از ویژگی‌های بارز محیط کسب و کار، مستمر بودن شکل‌گیری تعارضات است. به عبارت دیگر، به جهت ماهیتی که کسب و کار دارد، همواره انواع جدیدی از تعارضات در آن شکل می‌گیرد که پیش از این مطرح نبوده است. بنابراین، نگارش سندی پویا که پیوسته در حال به‌روزرسانی است، به بهبود محیط کسب و کار کمک می‌کند نه آنکه از سندی که از پویایی لازم برخوردار نیست، انتظار چنین بهبودی را داشت. بنابراین لازم است برای تحولات محیط کسب و کار و رفع تعارضات این محیط، سازوکار ویژه‌ای در سند جدید لحاظ شود.



منابع و مأخذ



- [۱] ا. عباسچیان و همکاران، «محیط کسب و کار در برنامه های توسعه پس از انقلاب، همایش الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت»، ۱۳۹۸.
- [۲] س. زادهوش و ا. ناقدی، «گزارش راهبردی: ارزیابی موانع بهبود محیط کسب و کار در ایران»، اندیشکده برهان، ۱۳۹۸.
- [۳] معاونت طرح و برنامه: دفتر آمار و فرآوری داده ها، «آمارها و شاخص های بین المللی»، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۶.
- [۴] دفتر مطالعات اقتصادی، «آیا شاخص سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی معیار مناسبی برای سنجش محیط کسب و کار در ایران است؟»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۹.
- [۵] م. ج. ایروانی و همکاران، «بررسی فضای کسب و کار در ایران»، راهبرد توسعه، جلد شماره ۵۴، صص ۶-۵۲، بهار ۱۳۹۵.
- [۶] ا. شاه آبادی و ر. پوران، «نقش کارائی سیستم قضائی در سهولت کسب و کار»، دوفصلنامه دانش حقوق اقتصادی، جلد شماره ۵، صفحه ۸۷، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- [۷] دفتر مطالعات اقتصادی، «آیا شاخص سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی معیار مناسبی برای سنجش محیط کسب و کار در ایران است؟»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۹.
- [۸] م. س. سجادی، «راهبردهای بهبود وضعیت فضای کسب و کار»، امنیت اقتصادی، جلد شماره ۷۳، صص ۱۱۱-۱۲۰، بهار ۱۳۹۶.
- [۹] ح. پاداش، «سهولت کسب کار در ایران: گزارش بانک جهانی در مورد فضای کسب و کار ایران در سال ۲۰۱۰، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- [۱۰] ا. مرکز مالگیری، شاخص ارزیابی نظام قضایی در محیط کسب و کار ایران (برگرفته از کتاب تحقیقات قضائی)، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶.
- [۱۱] ا. شاه آبادی و ر. پوران، «نقش کارائی سیستم قضائی در سهولت محیط کسب و کار»، دوفصلنامه دانش حقوق اقتصادی، جلد شماره ۵، صفحه ۴۸-۵۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- [۱۲] ا. مرکز مالگیری، «مقدمه ای بر نقش قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار»، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه - پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۵.
- [۱۳] ا. سن، اصلاحات حقوقی و قضایی چه نقشی در فرایند توسعه دارد؟، س. عطار، dE، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳.
- [۱۴] ا. ج. اندرسون، د. ا. برنشتاین و ج. د. گری، «نظام های قضایی در کشورهای در حال گذار؛ ارزیابی گذشته، نگاهی به آینده»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
- [۱۵] ا. مرکز مالگیری، شاخص ارزیابی نظام قضایی در محیط کسب و کار ایران (برگرفته از کتاب تحقیقات قضائی)، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶.

- [۱۶] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۱۷] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۱۸] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۱۹] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۰] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۱] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۲] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۳] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۴] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۵] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۶] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۷] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.
- [۲۸] «سند تحول قضائی»، قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۹.

گزیده سیاستی

اعتبار سند تحول قضایی در سال ۱۴۰۲ به پایان می‌رسد و باید بر اساس جز ۴ بند ۲۶ سیاست‌های کلی برنامه هفتم، این سند با تاکید بر حمایت قضایی از بهبود محیط کسب و کار، با لحاظ تغییرات این محیط به نحو پویا، مورد بازنگری قرار گیرد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۲۰۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir